فصلنامه علمی ـ پژوهشی اندیشه نوین دینی
سال ۸، پائیز ۱۳۹۱، ش ۳۰
صفحات ۲۰ ـ ۹

ANDISHE-E-NOVIN-E-DINI
A Quarterly Research Journal
Vol. 8, Autumn 2012, No. 30

نقد شبهه راهیافت خطا در آموزه‌های نبوی
با تأکید بر روایت تلقیح خرما

علی نصیری*

چکیده

ازجمله مباحث تأثیرگذار در عرصه دین، بازشناخت گستره عصمت پیامبر اکرمﷺ است. درحالی‌که متکلمان شیعه با استناد به آیات قرآن و روایات اهل‌بیت معتقد به عصمت مطلق پیامبر هستند و حوزه دخالت آن حضرت را در امور دینی منحصر نمی‌دانند، عموم عالمان، متکلمان و عارفان اهل‌سنت با تأثیرپذیری از روایات مجعول در منابع روایی خود همچون روایت تلقیح خرما، عصمت پیامبر و درنتیجه مشروعیت دخالت ایشان در امور دنیوی را انکار کرده و به راهیافت خطا در آموزه‌های نبوی فتوا داده‌اند. در این مقاله، ضمن بازکاوی دیدگاه عالمان فریقین در زمینه روایت تلقیح خرما، ایده محدودیت عصمت پیامبر اکرمﷺ و راهیافت خطا در آموزه‌های نبوی بررسی خواهد شد.

واژگان کلیدی

عصمت پیامبرﷺ، روایت تلقیح خرما، روایات مجعول، نقد سندی و محتوایی.

طرح مسئله

به استناد گفتار پیامبر که فرمود: «أدّبني ربي فأحسن تأديبي؛ پروردگارم مرا تأدیب کرد و نیکو تأدیب کرد.» (مجلسی: ۱۴۰۳: ۱۶ / ۲۱۰) آن حضرت در سایه تعلیم و تأدیب الهی به مقام رسالت، بلکه به مقام برترین پیامبر آسمانی نائل آمد. ایشان در سایه چنین تعلیم و تأدیبی به پایه‌ای رسید که به او خطاب شد: «لولاک لما خلقت الافلاک» (همان: ۴۰۶) و از اخلاق او به اخلاق عظیم یاد شد: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ». (قلم / ۴)

*. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علم و صنعت ایران. dr.alinasiri@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۱/۲/۲۰

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.1.7]

خداوند به جان او سوگند خورده، (حجر / ۷۲) از مهربانی و غمخواری او نسبت به مؤمنان و مسلمانان ستایش کرده (کهف / ۶) و از او خواسته است تا برای هدایت کافران بیش از حد، خود را به زحمت نیندازد و با درد جانکاهِ عدم ایمان آنان، خود را در معرض نابودی قرار ندهد. (توبه / ۶۱)

با چنین مقام والای معنوی و الهی است که خداوند ده‌ها بار نام او در کنار نام خود ذکر می‌کند و همگامی با پیامبر را همگامی با خود و مخالفت با او را مخالفت با خود دانسته است: «مَنْ يطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (نساء / ۸۰) و «وَمَنْ يعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالاً مُبِينًا.» (احزاب / ۳۶) تا بدانجاکه پیروی از پیامبر را نشانه و شرط حبّ الهی معرفی کرده است: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (آل‌عمران / ۳۱) مفهوم این دسته از آیات آن است که پیامبر تجلی‌گاه اراده الهی و تبلور اسمای جلالی و جمالی خداوند و بازگوکننده خواست او بشمار می‌رود. فرمان مؤمنان به مراجعه به پیامبر برای داوری در میان مخاصمات و ضرورت پذیرش بی‌چون‌وچرای داوری وی نیز نشانی دیگر از ارج‌گذاری به مقام ایشان است. (نساء / ۶۵) سرانجام بالاترین جایگاه علمی و معنوی در عرصه دین‌آگاهی به آن حضرت احاله شده است: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»؛ (حشر / ۷) زیرا براساس این آیه، همه آموزه‌های صادرشده از ناحیه پیامبرﷺ همچون آیات قرآن دارای حجیت کامل است.

امام صادقؑ به‌استناد همین آیه معتقد است پیامبرﷺ دارای مقام تفویض است و خداوند تشریع بخشی از آموزه‌های دینی را به او واگذار کرده است. افزایش هفت رکعت نمازهای روزانه به ده رکعت، کاستن دو رکعت در نمازهای چهارگانه در سفر، افزودن سی و چهار رکعت نمازهای مستحبی در کنار نمازهای واجب و اعلام استحباب روزهٔ ماه شعبان و سه روز از هر ماه، ازجمله مواردی است که به‌فرموده امام صادقؑ در سایه مقام تفویض پیامبرﷺ صورت گرفته و ازآنجاکه این تصمیم‌ها منطبق با خواست الهی بوده، خداوند آنها را تأیید کرده است. (کلینی: ۱۳۸۸: ۱ / ۳۶۶۹)

با چنین نگاهی، عصمت مطلق پیامبر اثبات می‌شود و سنت نبوی، تمام عرصه‌های دینی و دنیایی را دربر می‌گیرد. با این حال شماری از متکلمان، محدثان و نیز عارفان اهل‌سنت با استناد به روایت تلقیح خرما، عصمت پیامبر را محدود دانسته‌اند.

براساس این روایت ـ که تنها در منابع اهل‌سنت آمده است و شماری از صاحب‌نظران بر جعلی بودن آنها تأکید کرده‌اند ـ پیامبر اکرمﷺ وارد مدینه شد و پس از دیدن تلقیح درختان خرما با استفاده از پیوند شاخه درخت نر بر تنه درخت ماده، از آنان خواست این‌گونه تلقیح را رها سازند و منتظر لقاح از رهگذر وزش باد باشند. آنان به توصیه پیامبرﷺ عمل خاص تلقیح را رها کردند؛ اما پس از چندی انتظار، درختان خرما به بار ننشست و محصولی به بار نیامد. مردم از این خسارت مالی مکدر شده، نزد پیامبر شکایت آوردند. آن حضرت پس از اظهار تحسّر و ناراحتی گفت: «من در امور دنیوی از شما آگاه‌تر نیستم.» (ابن‌حنبل، ۱۴۱۲: ۱ / ۱۶۲)

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.1.7]

این روایت که باید آن را زیان‌بارترین روایت در عرصه سنت نبوی دانست، سیره نبوی در عرصه امور دنیوی را فاقد اعتبار و صحت می‌شمارد و در مرتبه‌ای فراتر، اعتبار آموزه‌های دین در این عرصه را به چالش می‌کشد. براساس مفاد این روایت، راه تفکر سکولارها و محدود کردن دین در عرصه اخلاق فردی و اخروی تحقق خواهد یافت. نگارنده در این مقاله در کنار بررسی منابع روایت تلقیح خرما، دیدگاه عالمان اهل‌سنت و شیعه را بررسی کرده و نقدهای سندی و متنی آن را واکاوی خواهد کرد.

روایات تلقیح درختان خرما در منابع روایی اهل‌سنت

نخستین منبعی که حدیث تلقیح درختان خرما در آن آمده، ***مسند*** احمد بن حنبل است. او این حدیث را چنین نقل کرده است:

> موسی بن طلحه از پدرش نقل کرد که رسول خداﷺ به مردمی بالای شاخه‌های خرما برخورد کرد و پرسید: اینها چه می‌کنند؟ گفتند: در حال لقاح هستند، به این طریق که شاخه درخت نر خرما را در درون درخت ماده می‌گذارند. پیامبر فرمود: گمان ندارم که این کار ثمری داشته باشد. آنها گفتار پیامبر را برای آنان نقل کردند و آنان این‌گونه لقاح را ترک کردند. وقتی این خبر را به رسول خدا دادند، پیامبر فرمود: اگر پیشنهاد من به سود آنان بینجامد انجامش دهند که من گمانی دارم و گمان مرا جدّی نگیرید و اما اگر از خداوند چیزی برای شما نقل کنم، بدان عمل کنید که من بر خداوند دروغ نمی‌بندم. (ابن حنبل، ۱۴۱۲: ۱ / ۱۶۲)[۱]

مسلم بن حجاج قشیری این روایت را با اندکی تفاوت در صحیح خود آورده است.

براساس این روایت، وقتی پیامبر با گروهی از مردم مواجه شد که از شیوه خاصی برای بارور کردن درخت خرما استفاده می‌کردند، گفت به‌گمان او این کار مفید نیست. وقتی آنان از نظر آن حضرت مطلع شدند، دست از شیوه خود کشیدند. با این حال پیامبر به آنان اطلاع داد اگر این کار مفید بود، آن را انجام دهند؛ زیرا نظر او تنها یک احتمال است و چه‌بسا با خطا همراه شود؛ اما اگر از خداوند خبری بیاورد، پیروی از آن واجب است.

در این‌گونه روایات، نتیجه اظهارنظر پیامبرﷺ و اینکه چه بر سر درختان خرمای مردم آمد، انعکاس نیافته است. در روایتی که ابن‌ماجه از عایشه نقل کرده، آمده است: وقتی مردم طبق توصیه پیامبر از تلقیح درختان خرما

---

۱. سرخسی درباره چگونگی تلقیح خرما در میان اعراب توضیح مفیدی داده است: «ثم ما يذكر من التلقيح في النخل أنواع معلومة عند أرباب النخيل، منها ما يشتري فيدق ويذر على مواضع معلومة من النخيل، ومنها ما يوجد من فحولة النخل، مما يشبه الذكر من بني‌آدم ثم يشق النخلة التي تحمل، فيغرز ذلك فيها على صورة الوطأ بين الذكور والإناث. ولما رأى رسول اللهﷺ هذا النوع من أهل المدينة فاستقبحه ونهاهم عن ذلك، فأحشفت النخل في تلك السنة! فقال: عهدي بثمار نخيلكم على غير هذه الصفة! قالوا: نعم وإنما كانت تجيد الثمار بالتلقيح، فانتهينا إذ منعتنا فأحشفت! فقال عليه الصلاة والسلام: إذا أتيتكم بشيء من أمر دينكم فاعملوا به، وإذا أتيتكم بشيء من أمور دنياكم فأنتم أبصر بدنياكم.» (بنگرید به: طوسی، ۱۳۸۷: ۲۳ / ۱۰۹)

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.1.7]

دست کشیدند و درپی آن میوه درختان خرما فاسد شد، پیامبر فرمود شما در امور دنیوی از من آگاه‌تر هستید:

> عایشه گفت: پیامبرﷺ اصواتی شنید و پرسید این صدا چیست؟ گفتند: مردم در حال لقاح درخت خرما هستند. پیامبر فرمود: اگر این کار را رها کنند، خرما بار خواهد داد. آنان در آن سال لقاح را رها کردند و خرمای آنها پوک شد. وقتی خبر آن را به پیامبر دادند، فرمود: اگر امری از امور دنیای شما را بازگو کنم، به اختیار خود عمل کنید و اگر امور دینی را بازگو کنم، مسئولیت آن با من است. (نیشابوری، ۱۴۲۰: ۷ / ۹۷؛ ابن‌ماجه قزوینی، ۱۴۲۳: ۲ / ۸۲۵)

نووی عبارت دیگری به حدیث افزوده که در آن آمده است: پیامبر پس از باخبر شدن از تباهی خرمای مردم فرمود: «من نه کشاورز هستم و نه درخت خرما دارم». (نووی، بی‌تا: ۱۱ / ۳۵۳)[۱]

بررسی دیدگاه عالمان اهل‌سنت درباره حدیث تلقیح خرما

عالمان اهل‌سنت ضمن پذیرفتن این احادیث، از آنها برای اثبات ممنوعیت رأی و استحسان در امور دینی و عدم ممنوعیت آن در امور دنیوی بهره گرفته‌اند.

برای نمونه، نووی دراین‌باره می‌گوید:

> قال العلماء: قولهﷺ: من رأيي، أي في أمر الدنيا ومعايشها، لا على التشريع. فأما ما قاله باجتهادهﷺ ورآه شرعاً يجب العمل به، وليس إبار النخل من هذا النوع، بل من النوع المذكور قبله. (۱۴۰۷: ۱۱ / ۱۱۶)

مناوی با استناد به این حدیث به نقل از برخی از عالمان اهل‌سنت می‌گوید:

> أن الأنبياء عليهم السلام وإن كانوا أحذق الناس في أمر الوحي والدعاء إلى الله تعالى، فهم أسرج الناس قلوباً من جهة أحوال الدنيا. (۱۴۱۵: ۳ / ۶۶)

براساس تحلیل نقل‌شده از ***فیض القدیر***، پیامبران با وجود بهره‌مندی از هوش و ذکاوت در امور اخروی، در امور دنیوی از همه مردم ساده‌تر و کم‌هوش‌ترند!

ابن‌عقیل گفته است:

> وإنهم معصومون فيما يؤدونه عن الله تعالى وليسوا بمعصومين في غير ذلك من الخطأ والنسيان والصغائر. (نقل از عاملی، ۱۴۲۱: ۴ / ۴۶)

---

۱. وی در شرح این حدیث آورده است: «قوله يلقحونه، بمعنى يؤبرون في الرواية الأخرى، ومعناه إدخال شيء طلع الذكر في طلع الأنثى فتعلق بإذن الله. قوله: فخرج شيصاً، هو بكسر الشين المعجمة وإسكان الياء المثناة تحت وبصاد مهملة، وهو البسر الرديء الذي إذا يبس صار حشفاً، وقيل: أردأ البسر، وقيل: تمر رديء، وهو متقارب.» (همان)

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.1.7]

در این گفتار نیز بر عدم عصمت پیامبر از خطا، نسیان و حتی گناهان صغیره در امور غیردینی تأکید شده است. ابن‌عقیل بسان سایر عالمان اهل‌سنت برای اثبات نظریه خود به شواهدی از سیره پیامبر اکرمﷺ استناد کرده که برخی از آنها ناظر به محدودیت دانش پیامبر است، نه خطای ایشان؛ مانند انتظار نزول وحی در ماجرای افک. برخی رفتارها مانند تصدیق منافقان نیز از روی همراهی در ظاهر رفتار بود، نه از باب تصدیق واقعی.

قاضی عیاض، از متکلمان معتزله نیز دراین‌باره گفته است:

> فأما ما تعلق منها (أي معارف الأنبياء) بأمر الدنيا فلا يشترط في حق الأنبياء العصمة من عدم معرفة الأنبياء ببعضها أو اعتقادها على خلاف ما هي عليه، ولا وصم عليهم فيه. (۱۴۰۹: ۲ / ۱۸۵ ـ ۱۸۳)

از گفتار او دراین‌باره چند نکته قابل استفاده است:

۱. عصمت پیامبر در امور دنیوی که با آگاهی یا تعلیم دیانت و اعتقادات بی‌ارتباط است، ضرورتی ندارد؛ زیرا عدم آگاهی از این امور باعث نقص و کاستی در مقام رسالت نمی‌شود.

۲. از نظر وی، این امور دنیوی با تجربه و در اثر اشتغال نفس به آنها قابل دستیابی است و چون وجهه همت پیامبر، امور دینی، شناخت خداوند و علوم شریعت بوده است، تجربه‌ای در این زمینه کسب نکرده است.

۳. راهیافت خطا و اشتباه در قول و فعل پیامبر در امور دنیوی به‌صورت شایع نبود تا از ایشان چهره‌ای کم‌هوش و ساده‌اندیش بسازد؛ بلکه به‌تواتر مواردی در سیره ایشان انعکاس یافته که حاکی از آگاهی پیامبر از امور دنیوی و مصالح دقیق آن در سطحی است که نشانگر اعجاز می‌باشد.

قاضی عیاض افزون بر روایت تلقیح درختان خرما، به شواهدی دیگر از سیره و سنت نبوی استشهاد کرده که در منابع روایی و تاریخی اهل‌سنت نقل شده است.

آلوسی درباره توجیه اینکه پیامبر در سال صلح حدیبیه برای ورود به مکه از مدینه حرکت کرد و پس از پیمان حدیبیه به‌ناچار از قصد خود برگشت، می‌گوید: «اگر امری در خارج برخلاف نظر و محاسبه پیامبر رخ دهد، مانعی ندارد؛ چنان‌که در ماجرای تلقیح درختان خرما چنین شد.» (آلوسی، بی‌تا: ۱۳ / ۷۲)

از نظر محمود ابورّیه، پیامبر در امور دنیوی و غیر دینی، از ناحیه خداوند مسئولیت تبلیغ را برعهده ندارد؛ از این جهت در این‌گونه امور معصوم نبوده، پذیرش اوامر و نواهی ایشان واجب نیست. (ابوریه، ۱۴۱۶: ۴۲)

بررسی دیدگاه ابن‌عربی درباره حدیث تلقیح درختان خرما

دیدگاه ابن‌عربی درباره حدیث تلقیح خرما به مناسبت‌های مختلف در دو کتاب ***الفتوحات المکیة*** و ***فصوص الحکم*** آمده است. وی در ***فتوحات*** برای اثبات این مدعا که انسان کامل در زمینه‌ای که فرد ناقص از او

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.1.7]

آگاهی بیشتری دارد، سخن او را می‌پذیرد، به حدیث «تأبیر نخل» استناد کرده است:

> أصل هذا الباب في قبول الكامل ما يشير به الأنقص في المسألة التي هو أعلم بها منه حديث تأبير النخل قوله صلى الله عليه وسلم لأصحابه: أنتم أعلم بمصالح دنياكم ورجع إلى قوله. (بی‌تا: ۱ / ۵۲۳)

از نظر او، از آنجاکه ضروریات، مستقیماً از خداوند اخذ شده‌اند، هرگز دچار شک و شبهه نمی‌شوند و این نشانه آن است که دانش برگرفته از خداوند با شک و شبهه همراه نیست. (همان: ۱۴۰ ـ ۱۳۹) او در جایی دیگر دراین‌باره که اشتباه پیامبر در ماجرای تلقیح درختان خرما ناشی از غفلت از مقام مراقبت و پرهیز از اظهارنظر بدون شهود بوده، سخن گفته است. (همان: ۱۵۵ ـ ۱۵۴)

همچنین به مناسبت‌های مختلف در کتاب ***فصوص الحکم*** دراین‌باره است. (قیصری، ۱۳۶۳: ۴۳۷ ـ ۴۳۶)

او پیامبر را به‌عنوان خاتم پیامبران، مظهر اسم جامع خداوند دانسته، تأکید می‌کند که ایشان به همه مقامات و مراتب احاطه داشته و از همه علوم ظاهری و باطنی آگاهی داشته است و در مرحله بعدی، چنین مقامی را برای خاتم اولیا نیز قائل است. با این حال در مقام پاسخ به این پرسش که چرا خاتم اولیا با داشتن چنین مقامی باید در تشریع، تابع پیامبر باشد، از این قاعده کمک می‌گیرد که گاه کامل در عین کامل بودن، از یک جهت دیگر از ناقص پیروی می‌کند.

بخش نخست ادعای وی، یعنی احاطه کامل خاتم پیامبران و خاتم اولیا به علوم و اسرار در این عبارت آمده است:

> وليس هذا العلم إلا لخاتم الرسل وخاتم الأولياء لأن الإحاطة بجميع المقامات والمراتب، كليها و جزئيها، جليلها وحقيرها، والتميز بينها، لا يكون إلا لمن له الإسم الأعظم ظاهراً وباطنًا، وهو خاتم الرسل وخاتم الأولياء. (قیصری، ۱۳۶۳: ۴۳۷ ـ ۴۳۶)

عبارت ذیل بیانگر مدعای دوم ابن‌عربی است که گاه کامل از جهتی، نازل‌تر از ناقص می‌شود:

> و إن كان خاتم الأولياء تابعاً في الحكم لما جاء به خاتم الرسل من التشريع فذلك لا يقدح في مقامه ولا يناقض ما ذهبنا إليه من أنه متبوع في الولاية. (همان: ۴۳۸)

سپس مبنای برتری را علم الهی می‌شمارد که محل توجه اولیای الهی است. او معتقد است آنان تعلق خاطری به حوادث و رخدادهای روزگار نداشته‌اند. (همان: ۴۳۹)

بررسی دیدگاه عالمان اهل‌سنت

از بررسی دیدگاه ایشان چهار نکته مهم قابل استفاده است:

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.1.7]

۱. روایت «تأبیر نخل» افزون بر ***مسند*** احمد بن حنبل در دو کتاب از ***صحاح سته*** اهل‌سنت انعکاس یافته که عبارتند از: ***صحیح مسلم*** و ***سنن ابن‌ماجه***. وجود این روایت در این دو کتاب باعث شده تا عالمان اهل‌سنت بدون آنکه به لوازم منفی مضمون این روایت و اشکالات متنی آن توجه کنند، این حدیث را بپذیرند.

۲. این حدیث زمینه‌ساز راهیافت مبانی مختلف فکری در میان اهل‌سنت شده است؛ ازجمله:

یک. در عرصه فقه، به‌استناد حدیث تلقیح خرما ادعا شده که اوامر و نواهی پیامبر در عرصه‌های غیر دینی، صرف ارشاد بوده، تبعیت از آنها لازم نیست.

دو. در عرصه فلسفه سیاسی، زمینه برای تفکر جدایی دین از سیاست هموار شد؛ به‌گونه‌ای‌که گاه عمده‌ترین استدلال سکولارها همین حدیث است.

محمد رأفت سعید دراین‌باره می‌گوید:

> و قد اتخذه دعاة «العلمانية» تكأة للفصل بين الدنيا و الدين، و أن الرسول وكَلَ إلى الناس أمر دنياهم فهم أعلم بها. (۱۴۱۴: ۱۵)

سه. این حدیث در عرصه مباحث کلامی، دائره علم و عصمت پیامبر را محدود ساخت. متکلمان اهل‌سنت افزون بر محدود ساختن دامنه علم پیامبر به مسائل دینی، راهیافت اشتباه در آموزه‌های نبوی در عرصه‌های غیر دینی را نیز پذیرفتند.

چهار. عارفان از این حدیث برای اثبات آنکه گاه کامل از جهتی مرتبه نازل‌تری از ناقص پیدا می‌کند و اینکه علوم برگرفته از خداوند هیچ‌گاه با شک و شبهه همراه نیست، بهره جسته‌اند.

پنج. این حدیث در عرصه اخلاق نیز از آن جهت مورد استناد قرار گرفت که ادب و انصاف انسان کاملی همچون پیامبر را در ترجیح رأی دیگران بر خود به تصویر می‌کشد.

چنین کارکرد گسترده‌ای برای یک روایت، حکایت از آن دارد که روایات به‌عنوان منعکس‌کننده آموزه‌های دینی تا چه اندازه در ترسیم نظام فکری مسلمانان مؤثر هستند و اگر روایتی همچون حدیث تأبیر نخل مجعول باشد، تا چه اندازه می‌تواند در تخریب مبانی فکری نقش‌آفرینی کند.

۳. حدیث پیش‌گفته چنان از جایگاه پیامبر اکرمﷺ ـ بلکه از جایگاه همه پیامبران ـ کاست که برخی از عالمان اهل‌سنت، پیامبران را کم‌هوش‌ترین مردم در امور دنیوی معرفی کردند.

در مقایسه این دیدگاه با آنچه عالمان شیعه ـ که چهره‌ای پیراسته از هر لغزش و خطایی برای پیامبر ترسیم کرده‌اند ـ تفاوت این دو مکتب روشن می‌شود و راز گرایش مستبصرانه برخی از اندیشوران اهل‌سنت به تشیع نیز آشکار می‌گردد.

۴. برخی از عالمان اهل‌سنت ـ به‌ویژه عارفان ـ ناآگاهی پیامبر از مسائل دنیوی را ناشی از توجه و تعلق

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.1.7]

خاطر وی به امور معنوی و اخروی و عدم تعلق خاطر آن حضرت به امور دنیوی دانسته‌اند تـا از ایـن طریـق، توجیهی مناسب درباره این کاستی در عرصه رسالت ارائه دهند.

بااین‌حال، شماری از آنان با زیرکی دریافته‌اند که باور به عدم آگاهی پیـامبر از امـور غیـر اخـروی، رخنـه عظیمی در رسالت ایجاد کرده، اعتماد مردم از پیامبر را سلب می‌کند. ازاین‌رو تأکید کرده‌اند که خطای پیـامبر در این امور محدود و ناچیز است؛ به‌گونه‌ای که از وی چهره‌ای ابله و ساده‌دل در ذهـن مـردم سـاخته نشـود. (قاضی عیاض، ۱۴۰۹: ۲ / ۱۸۳) غافل از آنکه تصویری که آنـان از پیـامبر سـاخته‌انـد، در نهایـت بـه چنـین نتیجه‌ای منتهی خواهد شد.

بررسی دیدگاه عالمان شیعه

حال که از موضع مدافعانه عالمان اهل‌سنت در مواجهه با حدیث تلقـیح درختـان خرمـا آگـاه شـدیم، دیـدگاه عالمان شیعه را که مبتنی بر دیدگاه اهل‌بیت پیامبرﷺ است، بررسی کنیم.

حدیث تأبیر نخل از نگاه عالمان شیعه از دو جهت مخدوش است: سندی و محتوایی.

۱. اشکال سندی

این روایت در هیچ‌یک از منابع حدیثی و غیر حدیثی شیعه نقل نشده و هیچ‌یک از راویان آن در منابع رجالی شیعه توثیق نشده‌اند. روایتی که دارای چنین وضعیتی باشد، از نظر مبانی حدیث‌شناسی مردود و غیر قابل استناد است.

۲. اشکالات متنی حدیث تلقیح خرما

متن حدیث تلقیح خرما حداقل از چهار جهت قابل مناقشه است: تعارض با قرآن، سنت، عقل و تاریخ.

۱. تعارض با معیار قرآن

هر روایتی که با آیات قرآن در تعارض باشد، براساس مبانی نقد روایات مردود اسـت. حـدیث تلقـیح خرمـا بـا آیاتی مخالفت دارد که در آنها بر تمسک به همه آموزه‌های نبوی بدون استثنا تأکید شـده اسـت، ماننـد آیـه: «وَمَا آتَاكمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر / ۷)

صالح وردانی دراین‌باره می‌نویسد:

> إن هذا الموقف من الرسول يصطدم بقوله تعالى «وما ينطق عن الهوى إن هو إلا وحي يوحى» ومادمنا نقف في صف النص القرآني فإن هذا يدعونا للحكم ببطلان الرواية. (۱۴۱۸: ۲۶۶)

۲. تعارض با معیار سنت

این حدیث با روایاتی دیگر از پیامبر مخالف است و مفهوم آن مخالفت با معیار سـنت اسـت. بـرای نمونـه، از عمرو بن عاص نقل شده است که:

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.1.7]

من هرآنچه از پیامبر می‌شنیدم، می‌نوشتم و با این عمل می‌خواستم مانع از بین رفتن روایات شوم. قریش مرا از این کار بازداشتند و گفتند: هرآنچه از پیامبر می‌شنوی، می‌نویسی و حال آنکه پیامبر بشری است که در حال رضایت و خشم سخن می‌گوید! من از نوشتن باز ایستادم و گفتار آنان را برای پیامبرﷺ بازگو کردم. آن حضرت فرمود: «بنویس! قسم به آنکه جانم در دست اوست که از اینجا (اشاره به دهان مبارک) جز حق خارج نمی‌شود. (ابن‌حنبل، ۱۴۱۲: ۲ / ۳۹۵)

از نگرش عالمان شیعه در برخورد با روایت تلقیح درختان خرما آشکار می‌گردد که آنان این روایت را ازهرجهت مردود دانسته‌اند و عالمان اهل‌سنت را به‌سبب پذیرش این روایت و فروکاستن از جایگاه بلند پیامبرﷺ تقبیح کرده‌اند.

۳. تعارض با معیار عقل

براساس مبانی عقلی، پیامبر در تمام شئونات فردی، اجتماعی، دینی و اخروی از هرگونه گناه، لغزش، خطا و نسیان مبرا و دارای عصمت مطلق است و جداسازی شئونات رسالت و مقامات ایشان به امور دنیوی و غیردنیوی مردود است.

بر این اساس، هر روایتی که با این قانون کلی در تناقض باشد، درصورتی که قابل تأویل نباشد، مجعول تلقی خواهد شد و چون حکم مذکور درباره روایت تلقیح درختان خرما صادق است، این روایت مجعول و برساخته تلقی می‌شود.

جعفر مرتضی عاملی دراین‌باره می‌گوید:

إنما كان معصوماً بكله، حتى إننا لا نوافق من يقول: إنه كان معصوماً في التبليغ وحسب، ولم يكن معصوماً في أمور الحياة، بل نقول إنه معصوم بكله، إن في التبليغ وإن في شؤون الحياة المختلفة، لأن عمله كله وحركته في الحياة كلها هي رسالة. ولذلك فلا تجزيئية في شخصية النبي بحيث نقول: إنه معصوم بهذا الجانب وليس معصوما بذاك الجانب، فالعصمة سرّ عقله وقلبه وإحساسه، وشعوره وحركته في الحياة. (۱۴۲۲: ۲ / ۳۵۳)

برخی از صاحب‌نظران شیعه معتقدند دستگاه اموی و عباسی برای دور ساختن دین از عرصه مسائل سیاسی چنین احادیثی را جعل کرده‌اند.[۱]

باری، اگر قرار باشد مردم بپذیرند که پیامبر در اموری کوچک ازاین‌دست دچار چنین لغزشی می‌شود، آیا

۱. برای نمونه، اسعد وحید قاسم دراین‌باره می‌نویسد: «والأمويون هم الذين اختلقوا قصة تأبير النخل والتي زعم فيها أن النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال: «أنتم أعلم بأمور دنياكم» أريد من وراء هذه الكلمات المنسوبة كذبا «على النبي صلى الله عليه وآله وسلم عزل الدين عن حياة الناس، وإن كان حقا» عدم تدخل الشرع الإلهي بطريقة تلقيح النخل وغيره.» (۱۴۱۸: ۳۰۲ ـ ۲۹۸)

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.1.7]

دیگر آنان به ایشان در امور دیگر اعتماد خواهند داشت؟ آیا پذیرش راهیافت خطا در آموزه‌های دنیوی، زمینه را برای محتمل دانستن راهیافت خطا در آموزه‌های اخروی و دینی پیامبر هموار نخواهد ساخت؟

٤. مخالفت با معیار تاریخ

در این روایت آمده که پیامبر از چگونگی تلقیح درختان خرما هیچ اطلاعی نداشته و همین امر باعث شده است تا مانع تلقیح درختان خرما به‌شیوه رایج میان مردم شود؛ کاری که سرانجام به خسارت مالی و ناراحتی مردم منتهی شد و آن حضرت با گفتن این جمله که «شما در امور دنیایی از من بیشتر می‌دانید» از آنان عذرخواهی کرد. این مدعا با حقایق تاریخی سازگاری ندارد.

آیا می‌توان پذیرفت که پیامبر به‌رغم آنکه سالیان بسیاری در میان اعراب می‌زیست، از شیوه رایج در میان آنان برای تلقیح خرما اطلاع نداشت تا آنکه ناگهان در دوران رسالت در مدینه برای اولین‌بار به این شیوه برخورد کرد و با توصیه به ترک این شیوه باعث خسارت مردم شد؟ آیا مثلاً می‌توان پذیرفت کسی که سال‌ها در کنار دریا زندگی می‌کند، نداند برای صید ماهیان از تور استفاده می‌شود؟

صالح وردانی دراین‌باره می‌گوید:

> أنها تشیر إلی جهل الرسول بمسألة تلقیح النخل وهذا أمر غیر مقبول عقلاً. لأن الرسول من بیئة عربیة تعیش علی التمر واللبن ولا یعقل أن یکون فیها من لا یفقه في أمر النخل. (۱۴۱۸: ۲۶۶ ـ ۲۶۴)

با فرض اینکه بپذیریم پیامبر از شیوه خاص تلقیح درختان خرما اطلاع نداشته است، باز جای این پرسش است که آن حضرت به‌عنوان پیامبر و انسانی حکیم، چرا در اموری که آگاهی و تخصص لازم نداشت، به اظهارنظر پرداخت و زمینه خسارت مالی مردم و رنجش آنان را فراهم ساخت؟

بنابراین به‌دلیل اشکالات سندی و متنی، روایت تلقیح درختان خرما مجعول و برساخته تلقی شده، باید کنار گذاشته شود.

نتیجه

حدیث تلقیح درخت خرما در منابع حدیثی مهم اهل‌سنت همچون ***صحیح مسلم*** و ***مسند ابن‌حنبل*** آمده که از راهیافت آسیب جعل در این منابع حکایت دارد. عموم عالمان اهل‌سنت ـ اعم از محدثان و متکلمان ـ با گردن نهادن به صحت سندی و متنی چنین روایاتی، دامنه عصمت پیامبرﷺ را محدود دانسته و بر خطاپذیر بودن آموزه‌های نبوی در حوزه غیر الهی پای فشرده‌اند.

عالمان شیعه در کنار نقد سندی روایات تلقیح خرما، آنها را به‌دلیل مخالفت با مبانی کلامی شیعه مبنی‌بر عصمت مطلق نبوی و مخالفت آن با معیارهایی همچون قرآن، سنت و عقل مردود می‌دانند.

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.1.7]

منابع و مآخذ

۱. آلوسی، سید محمود، بی‌تا، ***روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی***، بیروت، دارالفکر.

۲. ابن‌باجه قزوینی، محمد، ۱٤۲۳ق، ***سنن ابن‌ماجه***، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۳. ابن‌حنبل، احمد، ۱٤۱۲ق، ***مسند احمد بن حنبل***، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

٤. ابن‌عربی، محمد بن علی، بی‌تا، ***الفتوحات المکیة***، بیروت، دار صادر.

۵. ابوریّه، محمود، ۱٤۱٦ق، ***اضواء علی السنّة المحمّدیه***، قم، انصاریان.

٦. رأفت سعید، محمد، ۱٤۱٤ق / ۱۹۹۳م، ***مجلة مرکز بحوث السنة و السیرة***، (قطر) العدد ۷.

۷. سبحانی، جعفر، ۱٤۱۳ق، ***محاضرات فی الالهیات*** قم، المرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.

۸. طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۸۷، ***المبسوط فی فقه الامامیه***، قم، مکتبة المرتضی.

۹. عاملی، حر، ۱٤۲۱ق، ***الانتصار***، بیروت، دار السیره.

۱۰. عاملی، سید جعفر مرتضی، ۱٤۲۲ق، ***خلفیات کتاب مأساة الزهرا***، بیروت، دار السیرة، چاپ پنجم.

۱۱. قاضی عیاض، ابوالفضل، ۱٤۰۹ق، ***الشفاء بتعریف حقوق المصطفی***، بیروت، دارالفکر.

۱۲. قیصری، محمد، ۱۳٦۳، ***شرح فصوص الحکم***، قم، انتشارات بیدار.

۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸، ***کافی***، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.

۱٤. مجلسی، محمد باقر، ۱٤۰۳ق، ***بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار***ﷺ، بیروت، مؤسسه الوفاء.

۱۵. مناوی، محمد بن عبدالرؤوف، ۱٤۱۵ق، ***فیض القدیر فی شرح الجامع الصغیر***، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۱٦. نووی، محی‌الدین، بی‌تا، ***المجموع فی شرح المهذب***، بیروت، دارالفکر.

۱۷. نووی، یحیی بن شرف، ۱٤۰۷ق، ***المنهاج فی شرح صحیح مسلم بن الحجّاج***، بیروت، دارالقلم.

۱۸. نیشابوری، مسلم بن حجاج، ۱٤۲۰ق، ***صحیح مسلم***، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۱۹. وحید قاسم، اسعد، ۱٤۱۸ق، ***أزمة الخلافة والإمامة وآثارها المعاصرة***، بیروت، الغدیر.

۲۰. وردانی، صالح، ۱٤۱۸ق، ***دفاع عن الرسول ضد الفقهاء والمحدثین***، بیروت، ریدنکو للطباعة.

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.1.7]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.1.7]
[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]